

کانون وکلا

سال هشتم

اسفند ماه ۱۳۳۵

شماره ۵۱

حمود سرشار

قسمت پانزدهم

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

پیدایش خط و عوامل آن

چه عواملی اسلوب خط را تشکیل میدهد
جعل چیست و برای کشف آن چه باید کرد

در شماره ۴۷ اشاره به خط شناسی در قسمت امراض عصبی و دماغی گردید و به نحو تفصیل بیماریهای روانی و عصبی را بیان نمودیم ولی مدتی از نظر مسافرت به اروپا برای شرکت درکنگره‌های بین‌الملل وقفه حاصل گردید اینک که توفیقی پس از مراجعت برای ادامه آن نصیب اینجانب گردیده بذکر علائم و آثار بیماریهای روحی و جسمی که در خط ظاهر و هویدا میگردد می‌پردازیم تا خوانندگان محترم بدانند تاچه درجه علماء و دانشمندان آنچه را که در سرنوشت بشر مرتبط است و بر بینائی بشر در کشف حقیقت می‌افزاید مطالعه و کشف نموده و افکار بشر را به اعلی درجه قوت رسانیده و غوامض و مشکلاتی را که در تجری و تجسس پیش آمده از بین برداشته‌اند و کایه قوای فکری و دماغی خود را بانواع گوناگون برای تخفیف شدائد احوال و رفاه و آسایش مردم بکار برده و آنها را به زندگانی حال و آینده امیدوار و از ظلمات حیات گذشته به روشنائی عالم صفا رسانده‌اند.

اداره کنندگان امور اجتماع باین معنی واقف شده‌اند که عصر وزمانی را که باین اندازه مستعد و پرمایه است نباید تحت عنوان نظامات خفه

طریقه کشف جبل در عصر حاضر

نمود تا جام حوصله‌ها لبریز شده و به پیش آمدهای هونناکی مواجه گردیده و مورد استناده سیاستهای خانه بر انداز خارجیها واقع گردد زیرا نظم باید جان داشته باشد و متضمن رشد و ترقی طبیعی ملت گردد .

یکی از علماء میگوید برای کشور حق و عدالت لازم است نه حقارت - به قدرت نیاز دارد نه ضعف و بندگی - به بزرگی احتیاج دارد نه کوچکی - هستی میخواهد نه نیستی .

عصرا تم و نیدروژن و کوبالت مولود حالت حرکت و جنبش ملته است نه حالت سکون و رکود آنها
رکود و عدم حرکت حیثیت - اندیشه - رشد و ترقی آینده را پایمال میکند

مجموعات حیاتی ما را قوانین موضوعه از بین نهیبر داجرای قوانین است که هر محیطی را بطرف نظم و امنیت حقیقی میکشاند .

قانون حرب و آلت است حرب و اسلحه بخودی خودکار نمیکند آثار و نایجش بستگی با دستهای دارد که آنرا بکار می اندازد باید دقت و مراقبت نمود که این آلت بدست اشخاص ناباب و نااهل نیافتد .

تا آئینه نظرها وسعت نیابد مجال است از مشاهده عظمت جمال حقایق که تأثیر نیکوئی در حیات فردی و اجتماعی ما دارد بهره مند شویم
پرده بردار که بیگانه خود آن روی نه بیند
تو بزرگی و در آئینه کوچک نمائی

عطار گوید چشم بگشاکه جلوه دیدار متجلی است از در و دیوار

هاتف گوید

بار بی پرده از در و دیوار متجلی است یا اولی الابصار

اکنون به بحث علائم و آثار خطوط مختلفه می پردازیم
در هر خطی علائم و آثاری موجود است که حکایت از وضعیت و حالت جسمی و روحی نویسنده مینماید و علائم مزبور بشرح زیرین میباشد .

درشتی - نازکی - بزرگی - کوچکی - عمودی - مایل - قلابدار - صاف - جازم - مردد و مشکوک - سفت و محکم - شل - استوار - پیچیده - چهار گوش - مدور - مساوی - غیر مساوی - صعودی - نزولی - نقطه دار - بی نقطه - طرز تحریر نقطه ها - افقی - غیر افقی - طرز دوایر کلمات - محدب - مقعر - پیچ و خم دار - گوشه دار - باز - بسته - دنداندار - فاصله دار -

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

بی فاصله - مترآکم - مجتمع - مجزا - متناسب - غیر متناسب - پایدار - متغیر - ریز - بزرگ - مهیج - راست - کج - چلیپا - یکنواخت - متنوع - تند - کند - مرتعش

توزین خط

فکر توزین از ۱۹۲۲ آغاز گردید ولی در ۱۹۲۶ صورت عمل بخود گرفت و از جنبه نظری خارج گردید

دکتر امیل مالمسپین (Dr. Emile Malespine) اولین فردیست که بانیر و سنج دینامومتر (Dynamomètre) خطوط اشخاصرا توزین نموده و از کشیدن خطوط بهویت نویسندگان آن وقوف حاصل نموده سپس آز مایشهائی در این باب در آزمایشگاه پلیسی لیون بعمل آورد و روز بروز بر توجه باین امر برای کشف حقیقت افزوده و به ده از اعمال جاعلین برداشته شد

کلیه تجربیات **دکتر لوکار (Dr. Locard)** پیرامون حالت سکونی خط بر: ولی از موقعیکه توزین خط عملی شد آزمایشگاههای علمی متوجه حالت حرکتی خط گردید و امرحله سکون بصورت حرکت درآمده و قسمتی از مخاطرات جعل را از میان برداشت و راهرا برای کشف آسان نمود

توزین خط عبارت از اندازه گیری میزان فشاریست که در موقع حرکت برای تحریر بقلم وارد میآید و طریقه آن بدین نحو است :

ترازویی را که از نوع توزین نامه هاست باید انتخاب نمود مشروط بر اینکه حساسیت آن تا ۳۰۰ گرام باشد کاغذ را در یک کفه گذارده و با دست روی آن کاغذ مینویسند و در موقع تحریر وزنه هائی در کفه دیگر قرار داده تا حد متوسط فشار وارده بر قلم معلوم گردد و رقمی که حد متوسط و زنرا معین میکند عبارتست از میزان فشاریست که در موقع تحریر بقلم وارد میآید

وزن نوشته در حالت سکون با وزن حالت حرکتی تفاوت دارد

در حالت سکون وزن عبارت از وزن کاغذ و موادیست که بصورت کلمات روی آن ترسیم میگردد و در حالت حرکت میزان فشاری است که در موقع تحریر بقلم وارد میآید و رقمی که از عمل اخیر بدست خواهد آمد وزن نوشتجات ت سیمیه را تشکیل میدهد از این آزمایشها نتایج زیرین بدست آمده است

۱ - هرکس دارای وزن متوسطی از خط میباشد که از ۱۰ گرم شروع و به ۳۰۰ گرم منتهی میگردد و اکثر افراد وزن خطشان بین ۲۰ تا ۵۰ گرام میباشد

۲ - برای وزن خط حد متوسط آن در نظر گرفته میشود زیرا دست هر نویسنده یک حد اکثر و یک حد اقل را دارا میباشد و این رقم بین ۳ تا ۸ گرام قابل تغییر میباشد

۳ - خطوط مرتعش و لرزان کاملاً واضح و نمایانست و هر نوع از تردید و تشکیک نویسنده با کمال وضوح مشخص و معین میگردد و حکایت از امراض عصبی نویسنده مینماید

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

۴ - در این آزمایش سرعت و کندی تحریر کاسلاً معلوم و مشخص میگردد .
خط هر نویسنده در هر سه سال متضمن جزئی تغییر میباشد و این تغییر بستگی
با حالت و وضعیت اعضاء انسان دارد و خستگی و ضعف و لاغر می موجب تغییر وزن خط میگردد
توزین خط معرف جنس نویسنده آنست و خطوط زنانه سبکتر از خطوط مردان میباشد
وزن خط بهیچوجه دریادی امر با نیروی بدنی انسان ارتباط ندارد
فردیکه ورزش کرده و دارای عضلات قوی میباشد وزن خطش از ۲۰ الی ۵۰
گرام تجاوز نمیکند

استحکام قلم تأثیر زیادی در وزن نوشته دارد هر قدر قلم سخت و محکم باشد
آثار آن در تحریر سنگین و وزین بوده و افرادی که با قلم خود نویس مینویسند خدمت وسط
وزن خط آنها بین ۳۰ تا ۴۰ گرام میباشد و خط با قلمهای معمولی ۲۰ تا ۳۰ گرم است
توزین خط عامل بزرگی برای اطباء روحی خواهد بود که از روی وزن خط تشخیص
میدهند که نویسنده مبتدی به چه امراضی میباشد

افرادی که جعل اسناد اشتغال دارند و مدتی در نوشتن خطوط مختلفه تمرین نموده اند
برای اینکه عمل توزین پس از جعل نوشتجات صورت دیگری بخود بگیرد در آسیا و افریقا
و اروپا و امریکا برای تقویت دست خود بطریق خاصی مبادرت نموده و در نتیجه استعمال
ادویه ای که کاسلاً به نیروی عصبی و عضلانی آنها کمک مینماید وزن نوشتجات خود را
بصورت دیگر در میآورند

طریقه ازدیاد نیرو و همیزان فشار بر قلم در آسیا و افریقا از طرفی جاعلین

در آسیا و افریقا این عمل بوسیله روغن یونجه صورت میگردد زیرا روغن یونجه
و تخم آن جهت لغوه و رعشه مفید بوده و به نیروی دست کمک مینماید

یونجه گیاهی است که در عداد علوفه بوده و اسکندر کبیر از مد آنرا یونان
برده و بزراعت و تکثیر آن پرداخته است و در کشتزار یونجه میزان آزوت هوا زیاد بوده
و بر لطافت آن میافزاید .

در تخمه حکیم مومن نسبت باین علف فوائدی را ذکر نموده که برای بسط
اطلاعات خوانندگان عین آن ذیلاً درج میگردد

رطبه بنارسی اسپست باغی تازه است و بترکی یونجه نامند و معرب آن
فصصه است و خشک آنرا بمرعی قوت گویند و در آخر و اول گرم و ملین و مبهی و نفاخ
ضمد بخته آن که روزی دو بار استعمال میکنند جهت رعشه مفید است
و مداومت در خوردن آن باشکرسمن بدن و سولد خون و ضمد کوبیده او با غسل محلل
ورم بار دو با سرکه محلل ورم حاره و تخم آن قویتر از سایر اجزایش میباشد و قابض
و مولد منی و شیر و مدر حیض خصوصاً در حمام و بعد از آن تناول نمایند جهت خشونت
سینه و سرفه مفید بوده و قوتش تا پنج سال باقی میماند و قدر شربش از دو درم تا ه درم

طریقه کشف جمل در عصر حاضر

و روغن آنخم آنرا که از آب آن در روغن زیتون ترتیب دهند جهت لغوه و رعشه مفید و ضمام آن نیز نافعت .

طریقه ازدیاد نیرو و میزان فشار قلم در اروپا و آمریکا از طرف جاعلین در اروپا و آمریکا برای تأمین این منظور قرص آکینتون (Akineton) استعمال میکنند و تقریباً با استعمال یک شیشه از این قرص که ۳۰ دانه است نیروی زیادی با عصاب بخشیده که آثار آن فوراً در خط مشهود میگردد .

چون افراد باین دو عمل متوسل گردیده و با استعمال این داروها بر استحکام خط آنان افزوده میشود و حقیقت را در موقع رسیدگی از انظار کارشناسان کشور که فقط به نیرو و محکم بودن خط متوجه است مکتوم و مستور میدارد بر کارشناسان است که در موقع رسیدگی بخط و اظهار نظر فقط به نیروی استحکام خط نظر نداشته باشند بلکه به سایر خصوصیات دیگر از قبیل طرز ترسیم کلمات و کرسی و سوار کردن حروف و غیره که در مقالات قبل اشاره شده است توجه نموده و با لحاظ تمام جهات با اظهار نظر مبادرت نمایند .

تغییر خط از نظر امراض عارضه بر انسان

خط مظهر ساختمان جسمی و روحی افراد بوده و در نتیجه بیماری اعم از بدنی و روانی صورت دیگر بخود گرفته و تغییراتی در آن عارض میشود که از وجود آن امراض حکایت مینماید

هر بیماری با یک نوع تحول و تغییری در خط ملازمه دارد .
معرفت و آشنائی باین تغییرات مستلزم مناقعی غیر از جمل بوده و کاملاً هويت نویسنده آنرا معلوم و معین مینماید

در تمام کشورها هر کس هر نوع عقود یا معاملات و تعهدات را بطور کلی مینماید باید اهلیت که قدرت و توانائی قانونی برای انجام آن است داشته باشد تا بتوان تأثیر و اعتباری برای آن قائل گردید .

اهلیت عبارت از بلوغ - رشد و عقل میباشد در صورتیکه افراد واجد این شرایط نباشند اعمال ناشی از آنان در نتیجه عدم اهلیت باطل بوده و آثار قانونی و قضائی نمیتوان بر آن مترتب نمود .

طرفین معامله باید سالم باشند و قوای شعوری آنان بتواند کاملاً بر اعمالشان حکومت نموده و صلاح و غبطه آنها را در نظر بگیرند تا بتوان ارزشی برای تعهدات و معاملات آنان قائل گردیده و در مراجع صلاحیتدار واجد هرگونه اعتباری بوده باشند . اگر از وصیتنامه خود نویسنده که معرف وضعیت جسمی و روحی نویسنده است معلوم گردد که تنظیم آن در حالت فقدان شعور و قوای عقلی موصی بوده است افرادی که بضرر آنان وصیتنامه تنظیم گردیده است میتوانند از طریق دادگاه تقاضای صدور حکم بطلان آنرا نمایند و دادگاه هم ملزم است پس از جلب نظر کارشناسان فنی که واقف به رموز و دقائق

طریقه کشف چهل در عصر حاضر

و آثار و علائم موجوده در خط که حکایت از نوع بیماری و صیبت کننده است و احراز مجموعیت آن حکم بر بطلان و صیبتنامه مورد اعتراض را صادر نماید .

چون ممکن است دائمی یا ادواری بوده باشد و جهاتی نیز در انسان پدیدار گردد که او را از حالت عادی و متعارفی خارج نماید .

خط یگانه مظهر این احوال بوده و بواسطه وجود علائم و آثار میتوان بوجود امراض گوناگون روحی و جسمی معرفت حاصل نمود .

هر کس که فوت میکند از روی جواز دفن میتوان فهمید که به چه بیماری مبتلا بوده که منتهی به فوت او گردیده است

کارشناس باید فوراً علائم و آثار بیماری را که در جواز دفن ذکر شده است در نظر گرفته و آنها را با آثار و علائم خطوط و نوشتجات منتسبه به متوفی تطبیق نموده و در صورت مطابقت بر اصالت آن اظهار نظر نموده و در صورت مغایرت آنرا مجموع و غیر اصیل بداند .

اغلب از نامه ها و شکایاتی که مورد رسیدگی و تعقیب مراجع قضائی و پلیسی قرار میگیرد ناشی از ضعف دماغ و قوای نویسندگان آن بوده و با جلب نظر کارشناس میتوان به ارزش و عدم ارزش آنها آگاهی و اطلاع حاصل نمود .

مسئولیت نویسنده

کلیه شکایاتی را که پس از رسیدگی معلوم گردد فاقد قوه اثباتیه بوده و از نظر فقد دلیل رد آن اعلام گردیده است اگر طرز تحریر و اسلوب خط آن مورد رسیدگی واقع گردد معلوم خواهد شد که نویسندگان آن به چه نوع از بیماریهای جسمی و روحی مبتلا بوده و بدرجات مسئولیت آنان کاملاً میتوان وقوف حاصل نمود .

شبه سازی خطوط بیماران

اگر در اسناد و نوشتجاتی که جاعلین جعل کرده و به یکنفر بیمار آنرا منتسب مینمایند علائمی از بیماری وجود نداشته باشد اوراق مزبوره به منظور تقلب و تزویر تنظیم گردیده و مزور و مجعول میباشد .

اگر علائم و آثار بیماری منتسب الیه در اوراق مزبور تقلید گردد و آنها را بر طبق اوراق مسلم الصدور بیمار بسازند بر کارشناسان است که سایر کیفیات و خصوصیات خط اصلی نویسنده را در نظر گرفته و با آن تطبیق و مقایسه نمایند تا به اصالت و مجموعیت آنها آشنا گردند .

هر بیماری ملازمه به وجود یک نوع از آثار و علائم در خط خواهد داشت مخصوصاً در امراض عصبی و دماغی در اثر عوارضی که در مغز و اعصاب پیدا میشود خطوط مبتلایان باین بیماریها صورت دیگر بخود گرفته که ناگزیریم علائم و آثار را که در خطوط آنان مشهود میگردد ذیلاً شرح دهیم .

طریقه کشف جلال در عصر حاضر

بیماریهای دماغی

پیتیاتسم

(Pithiatisme)

پیتیاتسم بیماری عصبی است که اغلب زنها به آن مبتلا هستند و در ردیف احتقان رحم یا ایستری (Hystérie) محسوب میگردد.

افرادی که به کاغذ پرانیهای بی‌امضاء عادات دارند دچار این مرض هستند ولی درمرد ها کمتر این بیماری مشهود میگردد و در اثر تلقینات این امراض شدت پیدا نموده و صورت خطرناکی بخود میگیرد ولی با طریقه استدلال و حصول اطمینان میتوان بتدریج آنرا رفع نمود.

علائم و آثار بیماری پیتیاتسم در خط

- ۱ - آثار ارتعاش در خط که شدت وجهات آن متغیر بوده ولی مستمر و مداوم میباشد.
- ۲ - مبتلایان باین بیماری همیشه در مقام تزئین و زیبائی خط خود بوده و این تزئینات بیشتر متوجه حروف درشت گردیده و کمتر در خط ریز مشهود و هویدا میگردد.
- ۳ - زوایای خطوط آنان در موقع بحران این بیماری طوری منحرف گردیده که بصدد درجه خواهد رسید.

آثار ضعف عصب در خط مبتلایان به نوراستنی

(Neurasthénie)

در آغاز ابتلاء به ضعف اعصاب خط معمولی و متعارفی بوده ولی پس از چند روزی مشهود میگردد که خطوط مبتلایان به این بیماری در سطور اولیه عادی است ولی پس از تحریر چند سطر حروف از شکل اصلی خارج گردیده و صورت اشکال غیر منظم و گوشه دار برآیند بخود گرفته و ارتباط حروف کلمات با یکدیگر قطع گردیده و کم‌کم از بین می‌رود و در نتیجه تشکیک و تردید که به برداشت قلم منتهی میگردد اسلوب دیگری پیدا خواهد نمود.

آثار و علائم انقباض در دناك عضلات یا کرامپ در خط

(Crampe)

لکنت و کندی دست در نتیجه ازدیاد حرکات غیر مرتب که از تحریکات غیر عادی صورت میگیرد پیدا شده و آنرا **ایپر کینزی (Hyperkinesie)** یا حرکات غیر منظم مینامند و خطوط این قبیل افراد بد شکل و گوشه دار و غالباً روی هم قرار گرفته و خط را بصورت غیر خوانا درمی‌آورد .

آثار جنون پیش‌رس در خط

(Démence précoce)

در جنون پیش‌رس صورت کلی خط همیشه در معرض تغییر بوده و امتداد خطوط

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

غیرمتجانس و نامربوط میباشد و غالباً کرسی و غالب کلمات بزرگتر شده به نحویکه اندازه حروف ابتداء آن نوشته با انتهای اختلاف داشته و باهم ناچور و غیرمتناسب بوده و از اصول و قاعده خارج گردیده است.

آثار جنون جزئی در خط

(Manie)

تحریرات افرادی که مبتلا به مانی یا جنون جزئی هستند دارای اشتباهات صرف و نحوی بوده و برخلاف دستور و قواعد زبان فارسی میباشد طرز انشاء آنان غریب و عجیب و کلمات آنان غیر مانوس میباشد و اغلب اتفاق می افتد که زیر کلمات و عبارات بی اهمیت و بی معنی را خط زده و با حروف درشت مینویسند تا از این طریق جلب نظر خواننده گان را فراهم نمایند.

بر کارشناسان است که در طرز انشاء و املاء و سیاق عبارات و جملات آنان دقت نموده و علائم و برداشت قلم و سایر جهات را مورد بررسی کامل قرار دهند.

بیماران به جنون جزئی به هر نوع تعهداتی اهمیت نداده و از نظر کمی وسعت شعور مسئولیتی متوجه آنان نمیشد هر قسم تحریری را که با دقت ملازمه دارد ضعیف نموده و مانع از بیان افکار بوسیله نگارش میباشد.

هدف و منظور نویسنده غیر منظم و از هم جدا و فاصله دار بوده و بصورت عبارت پرت و پلا و نامربوط درمی آید. خط آنان سریع و دارای افکار و علائمی است که غیر قابل قرائت و کشف میباشد.

افکار بحدی بر آنان در موقع تحریر تسلط مییابد که از هدف و مقصد اصلی منحرف گردیده و نوشتجات آنان را بصورت خاصی درمی آورد و از نوشتجات و نگارشات آنها میتوان فهمید که درجه مرحله از مراحل جنون تنظیم گردیده است.

نشاط و خوشی گاهی در حرکات این بیماران پدیدار میگردد و میل بزندگی در بیمار توسعه مییابد و غالباً خود را مافوق همه تصور کرده و انتظار تعظیم و تکریم و تجلیل را دارند. هر کس را دوست صمیمی خود تصور نموده و دشوارترین وقایع و امور بنظر آنان سهل و آسان بوده و نتایج بزرگی را از هر امری انتظار دارند نگاهشان نافذ و درخشان بوده و از سرو صورتشان حس خوش بینی نمایان است.

آثار و علائم مایخولیا در خط

(Mélancolie)

افراد مایخولیائی در کلیه اعمالشان مردد و مشکوک بوده و آثار تردید در خط آنان کاملاً ظاهر و نمودار میباشد زیرا قلم را مانند یو یو که بازیچه بچه ها و خائیهات بالا و پائین برده تا به نگارش چند کلمه وسطی موفق شوند و آثار برداشت قلم در خطوط

طریقه کشف جنل در عصر حاضر

و نگارشات آنها زیاد است و تشکیل نقطه های زیادی در کلمات ترسیمه داده که با ذره بین های قوی آشکار و نمایان میگردد.

در موقع تحریر **ا ب پ ت ث ط ظ ک گ م ل** اعوجاجهای مدوری شکل در ترسیم این حروف پیدا میشود.

این افراد همیشه اندوهناک - مضطرب - مایوس - شاکی - متأثر - خاموش - گرفته و بی حرکت بوده و موقعی که قلم را در دست میگیرند آثار قلمی آنان عبارات و جملات مقطع بوده و هر کدام مفهوم خاصی را تشکیل میدهند و هیچیک از آنها با هم مربوط نبوده و نمیتوان آنها را از لحاظ موضوع تحویل بوحد نمود نامه و نوشته تان شان طولانی و مفصل است و خط آنان بقدری ریز است که برای هر کس قرائتش مشکل و دشوار میباشد.

آثار جنون ادواری در خط

(Folie Circulaire)

خط این بیماران در موقع تحریکات و ضعف و ناتوانی طوری تغییر میکند که با حالت سلامتی آنان اختلاف زیادی خواهد داشت و کارشناسان همیشه باید خطوط این افراد را در موقع سلامتی اساس تطبیق قراردادده و با خطوط آنها در موقع بیماری تطبیق و مقایسه نمایند تا تفاوت و اختلاف آن کاملاً بدست آید.

آثار جنون در خط

(Démence)

در خطوط مرضی ترتیبی و بی نظمی زیادی مشهود میگردد و حواشی نامه ها غیر منظم بوده و خطوط ترسیمه مایل و کج و معوج میباشد.

آثار هذیان استدلال در خط

(Délire raisonnante)

اختلال روانی این طبقه از بیماران متوجه جملات و عبارات بی معنی بوده و با اندازه اهمیت برای آن قائل میشوند که زیر آنها را همیشه خط کشیده و یا با حروف بزرگتر آنها مینویسند تا از این طریق نظر خوانندگان را جلب نمایند و خطوط آنان نیز غیر مقروء و ناخوانا میباشد.

آثار جنون تک در خط

(Monomanie)

بیماران به این نوع جنون بهیچوجه رعایت قواعد و اصول را ننموده و کلمات قلمبه و غیر مانوس و غیر مستعمل را در نگارشات خود بکار برده و اگر انشاء و املاء و علائم و برداشت قلم آنان مورد بررسی واقع گردد معلوم میگردد که باین جنون مبتلا بوده و به استعمال کلمات و اصطلاحات بیگانگان معتاد میشوند.

طریقه کشف جمل در عصر حاضر

آثار هذیان زبان آمیز در خط

(Délire de La persécution)

هذیانهای زبان آمیز متضمن اوصاف مخصوصی است و با سایر اختلالات دماغی از حیث نوشته فرق دارد و راه را برای تشخیص کارشناسان فنی باز مینماید
عده زیادی از این افراد زبان دیده بسازمانهای انتظامی نامه‌هایی نوشته و تقاضای کمک و استمداد از آنها کرده تا جلوگیری از اذیاء و آزار آنان بنمایند.

این نوع مجانین همیشه از صدمات مخفی که در نتیجه اعمال بی‌اهمیت از آنان صادر میگردد شکایت نموده و حال آنکه این نوع زجرها جز توهمات بصری چیز دیگری نبوده و نوشتجات آنان بهترین مستند برای حالت روحی آنها میباشد.

آثار صرع در خط

(Epilepsie)

حالت صرع یکی از عللی است که باید در مورد تنظیم هر وصیتنامه در نظر گرفت و از نوشتجات این قبیل افراد بخوبی مفهوم می‌گردد که باین بیماری مبتلا میشوند یا نه؟ و آیا در موقع تدوین و نوشتجات و اسناد تحت نفوذ و تأثیر این مرض واقع شده‌اند یا نه.

مبتلایان باین نوع بیماری همیشه دچار سرگیجه و حملات صرعی بوده و در نتیجه ضعف روحی و اختلال دماغی قدرت و اراده از آنان خارج شده و تحت تأثیر قرار میگیرند در صورتیکه انجام هرگونه تمهیدی ملازمه با آزادی اراده و قصد دارد

از صورت نوشتجات طرز انشاء و احساسات ابراز شده و نوع عقاید و معانیت و محرومیت بعضی از افراد میتوان پی به حالت دماغی نویسنده برد. نوشته آنان غیر متساوی، شیب دار و تند و پهن بوده ولی اشتباهات نقطه گذاری و تکرار و خط کشیدن زیر مطالب در تحریرات آنان وجود ندارد.

برای رسیدگی کامل بنوشتجات این قبیل اشخاص باید مصروعین را بدو دسته تقسیم نمود:

یکدسته افرادی هستند که دارای پرورش روحی بوده و عادت بنوشتن دارند و دسته دیگر کسانی هستند که تازه وارد این عمل شده و عادات آنان به تحریر و نگارش کم میباشد

در طبقه اخیر اختلالات زیادی در نوشته پیدا شده و ارتعاش بیشتر متوجه حروف ا ب پ ت ث ج چ ح خ س ش ص ض ط ظ ع غ ف ک گ ل میباشد.

گاهی حروف سربالا و زمانی سربائین می‌رود و حروف تنها همیشه چسبیده و پیوسته به حروف ترکیبی است. حروف ریز آنها ظریف نبوده و حروف درشت هم با قوت و زور صورت گرفته است.

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

بیماران صرعی اعم از دسته اول و دوم در موقع تحریر حاکمیت بحرکت دست خود ندارند و هر قدر ساعی و کوشا باشند که از لرزش دست جلوگیری نمایند برایشان میسر نبوده و همیشه در موقع تحریر بیک حرف و کلمه تکیه کرده تا بتوانند به تحریر حروف و کلمه دیگر قادر گردند و غالباً کلمات فشرده و بهم چسبیده میباشند تحریرات آنان درشت و بزرگ بنظر میرسد و هر حرفی را در هر جهتی وسعت میدهند و حروف از هم فاصله دار بوده و خیلی مردد و مشکوک بنظر میرسد دست آنان مانند دست بچه‌ها که تازه قلم در دست میگیرند سنگین میباشند و چند مرتبه روی یک حرف قلم را بالا و پائین برده تا بتحریر آن موفق شوند و همان اختلالاتی که در کلمات آنان پیدا میشود در نوشتجاتشان هم رخ میدهد.

آثار بیماری انفکاک قوای روحی اسکیزوفرنی Schizophrénie

در خطوط افرادی که به بیماری انفکاک قوای روحی که قسمتی از جنون جوانی است مبتلا هستند چیزهای عجیب و غریبی رخ میدهد مثلاً بجای خطوط افقی کلیه خطوط هم متمرکز شده و علاوه بر آن آثار و پارافهای زیادی در خطوط آنان نمودار شده و چند مرتبه هم هر حرف یا سیلاب را که از آثار قلمی آنان مشهود میگردد تکرار مینمایند تا بنوشتن کلمه نائل گردند خط آنان کاملاً پد و اغلب شکسته و در طرز انشاء جملات و کلمات زیادی استعمال شده که از حیث معنایی فقیر بوده و کاملاً بی‌اوسرانی تعبیر میگردد.

جرحهای وارده به راکز اخصاب آثار بیماری پارکینسن در خط (Parkinson)

بیماری پارکینسن که آنرا فلج متحرک نیز گویند در پیری عارض انسان میشود و صلابت و سختی در بدن پیدا شده و هر وقت به فکر حرکت می‌افتد تشنج به او دست داده و تمام عضلات بدن به استثنای سر حرکت میکنند و مبتلایان به این مرض از حرارت می‌ترسند و شب با یک لحاف و یا با یک پتو بسر می‌برند
این بیماری در قرن ۱۹ عارض یک طبیب موسوم به پارکینسن شد و باسم او متصف گردید

علامت بارز بیماری پارکینسن تشنج میباشد که آثارش در خط هویدا است و خط باندازه ریز میشود که نیاز به ذره بین برای قرائت آن پیدا خواهند نمود.

بعضی از حروف با چند برداشت قلم صورت میگیرد و بعضی‌ها هم بظرف راست مایل گردیده و ارتفاع حروف ریز آنها با درشت اختلاف دارد خطوط آنان دارای نوسانات افقی است بدون اینکه اسلوب خط را تغییر دهد قطر حروف بتدریج رو به نقصان رفته و بصورت یک ربع خط دوره سلامتی آنان درمی‌آید. در نوشتجات آنها آثار لکه و پارگی نیز مشهود میگردد.

طریقه کشف چهل درعصر حاضر

آثار بیماری داء الرقص در خط

گره (Chorée)

در مرض کره یا داء الرقص خطوط مستقیمی در کلیه نوشتجات مبتلایان مشهود میشود که بصورت خطوط مستقیم الخطوط درآمده و دارای زوایای بزرگ و منظم میباشد. حرکات تشنج آمیز در اعضاء سر و صورت عارض شده و با ژست و اشارات توأم میباشد این حالات در موقع حرکت و سکون پیدا میشود و در موقع خواب قطع میگردد.

آثار بیماری تابس در خط

(Tabes)

در بیماری تابس کلیه خطوط تغییر کرده و بزرگی زوایای حروف غیر منظم میباشد این بیماری به مغز حرام ارض گردیده و افراد سیفیلیسی مبتلابه آن میگردد و ایجاد اختلالات کلی در حرکت و بینائی و احشاء و مفاصل مینماید.

آثار بیماری تصلب شیمی صفحه ای در خط

(Sclérose en plaque)

چون این بیماری ایجاد فساد در نسج نموده و همراه با اختلال و سرگیجه میباشد بیماران مبتلا باین مرض دارای خطوط موجدار و پیچیده بوده و لرزش خط آنها متمایل بخطوط افقی گردیده و دائمی و ثابت میباشد.

آثار فلج عمومی در خط

(Paralysie générale)

خطوط این بیماران در تمام جهات سیر نموده و لرزش آن بعدیست که کلمات را میشکند - حروف ترسیمیه غیر مساوی و شبیه بخط اطفال میباشد این خطوط دارای حلقه های زیاد بوده و خط را از صورت اصلی خود خارج کرده و غیر خوانا مینماید.

آثار بلاهت و حماقت در خط

(Idiotie et Imbécilité)

خطوط مبتلایان باین بیماری همیشه متغیر و ناپایدار بوده و علائمی که در نامه ها و اوراق آنان پیدا میشود بهیچوجه قابل کشف نمیباشد.

آثار مرض سگته و فقدان تکلم در خط

(Apoplexie et Aphasie)

علائم و آثاریکه در خطوط این نوع بیماران دیده میشود همان علائمی است که در بیماران مبتلا بجنون وجود داشته که شرح آن قبلا گذشت.

اینکه چون از بحث آثار امراض عصبی و دماغی در خط فارغ شدیم آثار امراض بدنی را در خط بشماره بعد موقوف مینمائیم.

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

چون در شماره‌های قبل قسمتی از بحث جعل به مبحث قضائی آن اختصاص داده شده بود اینک دنباله آنرا ادامه میدهیم .

جعل معنوی

گرچه قاضی تحقیق و دادرسان در اطراف جعل مادی تحقیقات نموده و سایر جهات را که از تحقیقات بدست می‌آید بر نظرهای فنی اضافه مینمایند ولی طریق عمده کشف جعل مادی بستگی با نظرات کارشناسان فنی دارد ولی در کشف جعلهای معنوی نیازی بجلب نظر کارشناسان فنی نبوده فقط از راه تحقیق و جمع آوری دلائل درباره اصالت و عدم اصالت اوراق مورد سوءظن و مورد شکایت اظهار نظر مینمایند

اینک در این شماره بمصادیق و موارد عذیده میپردازیم
اظهارات خلاف واقعی که افراد نزد اشخاص صلاحیتدار که متصدی کارهای عمومی هستند مینمایند ولو آنکه به امضاء آنان نرسیده باشد نوشته و اوراق مزبوره را از صورت جعل معنوی خارج نموده و مستوجب تعقیب کیفری مینمایند
اظهارات خلاف واقعی که مستند اشخاص ذینفع واقع نگردد جعل محسوب نخواهد شد

اگر زنی طفلی را که از مرد اجنبی بدست آورده آنرا بشوهر خود نزد مأمورین آمار منتسب نماید عملش جعل معنوی محسوب میگردد
اگر پدری طفلی را که از زن دیگری بدست آورده بزنی که در جباله نکاح اوست نسبت دهد این عمل نیز جعل محسوب می شود .

قابله که بخواهد زنی که اخیراً وضع حمل نموده مادری را غیر از مادر اصلی طفل برای بچه جدید الولاده معرفی نماید مرتکب جعل معنوی گردید. است
اگر به مأمورین آمار و ثبت احوال اظهار شود که جدید الولاده مرده بدنیا آمده در صورتیکه وضع حملی در بین نباشد این عمل جعل معنوی بشمار میرود
اگر در دفتر ثبت احوال برای بچه مادر فرضی معین شود این عمل نیز جعل معنویست

اگر درسند یا قرارداد رسمی متعاملین بمنظور فریب شخص ثالث چیزهای خلاف واقع و حقیقت ذکر کنند مرتکب جعل معنوی شده‌اند
اگر در اظهارنامه گمرکی اظهاراتی برخلاف حقیقت بنمایند بمنظور اینکه حقوق و عوارض گمرکی را کمتر از میزان تعرفه گمرکی بپردازند و تعداد و رقم و وزن امانات و بسته‌ها را برخلاف واقع عنوان کنند مرتکب جعل معنوی شده‌اند
هر گاه متصدی صندوقی مبالغی را که دریافت نموده کمتر از آن در دفتر وارد و این عمل را بمنظور استفاده خود و دیگران انجام دهد مرتکب جعل معنوی شده است
گذاشتن تاریخ مقدم در اوراق تجاری بمنظور اینکه عمل توقف آنها را فرا نگیرد و بضرر دیان تمام شود جعل معنویست

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

هرگاه تاریخ مقدم در ظاهر نویسی بضرر اشخاص ثالث تمام شود عمل مزبور نیز جعل معنوی محسوبست

اگر کسی سبیل ولادت طفل حرامزاده خود را برادرش منتسب و اسم برادر را بعنوان اسماء زیر اظهار نامه قرار دهد مرتکب جعل معنوی شده است

اگر شناسنامه گرفته شود و او ا پدری و مادری منتسب نمایند که وجود و حقیقت خارجی نداشته باشند جعل معنوی بوده و مستوجب تعقیب کیفری است

اگر مترجمی در نزد باز پرس در دادگاه اظهارات اشخاص را بر خلاف آنچه که گفته اند بفتح دیگران ترجمه نماید یا در محکمه نامش را خلاف آنچه در آن نوشته شده ترجمه کند مرتکب جعل معنوی شده است

مترجمی که قسمتی از ترجمه را عمداً حذف و این عمل را بضرر صاحب سند و بفتح دیگری انجام دهد نیز جعل معنوی محسوب میگردد

هرگاه مستخدمین دولت ببنامیت و ظایفی که دارند گزارشهایی برخلاف حقیقت تنظیم و یا اظهارات اشخاص را تعریف نمایند و امور غیر واقع را حقیقی جلوه داده و در مقام اثبات آن برآیند مرتکب جعل معنوی شده اند

هرگاه کسی بنام مسمول در اداره سر باز گیری حاضر و بنام شخص مسمول اظهاراتی بنماید تا معافی او را از این طریق بدست آورد مرتکب جعل معنوی شده است

هرگاه کسی بنام برادرش در انجمن سر باز گیری حاضر و از نظر نقص اعضاء خود معافیت برای برادر خود بگیرد عملش جعل معنویست

هرگاه شخصی رئیس محضر رسمیرا اغفال و خود را بنام دیگری با سبیل دیگری معرفی و معاملاتی بضرر صاحب شناسنامه بنماید عملش مسمول جرم جعل معنویست

اگر کسی به عنوان طلبکار از مراجع ذیصلاحیت تقاضای توقیف مالی را بنماید برای اینکه طلبکاران اصلی نتوانند ملک و اموال را بازداشت نمایند مرتکب جعل معنوی شده است

هر خلاف حقیقتی که در صورت مجلس تحقیقات و استنتاجات بوسیله دادرها و باز پرسها نوشته شود و لو اینکه به اسماء اصحاب دعوی یا متهم و یا شهود هم نرسیده باشد جعل معنوی بوده و مستوجب تعقیب کیفری میباشد

کسانی که بجای شخص دیگر در روزهای امتحان حاضر شده و امتحان دهند عملشان جعل معنوی محسوب میگردد

در هر حال باید بطرف معرفت و علم و دانش گزاید تا بگلیه جمعولات خاتمه داده شود

اینک برای مزید اطلاع خوانندگان محترم عین سخنان فلاسفه و نویسندگان را که درباره معرفت و دانش بیان نموده اند با معانی آن ذیلاً میتکاریم :

Dieu seul est sage, parce que lui seul a l'entière connaissance des choses. (descarte)

طریقه کشف جبل در عصر حاضر

بیگانه عاقل وجود باریتعالی است که عارف بتمام موجودات
میباشد. (دکارت)

L'humilite n'est rien autrec chose que la parfaite
connaissance de soi-même. (Bourdaloue)

تواضع چیز دیگری جز خودشناسی نمیباشد. (بوردالو)

Le mal que nous éprouvons par les vices de nos sem-
blables produit en nous la connaissance des vertus opposées à ces
vices. (Jean Le Rond d'Alembert)

بدیهائی که از عیوب هموعان خود احساس میکنیم معرفت عکس
آن معایب را در ما ایجاد میکند. (ژان لورون دالمبر)

La vérité est la connaissance des êtres et de leurs
rapports, la raison est la connaissance de la vérité.

(Louis de Bonald)

حقیقت معرفت بموجودات و روابط آن بوده و عقل نیز معرفت
به حقیقت میباشد. (لویی دوبونالد)

La vertu ne se fonde que sur la connaissance de la
nature (Cabanis)

اساس تقوی و پرهیزگاری روی معرفت بطبیعت استوار است
(کابانیس)

La conaissance de Dieu achève la connaissance de
l'homme. (Victor cousin)

معرفت بحق مکمل معرفت انسانی میباشد (ویکتور کوزن)

La conaissance la plus précieuse pour un roi serait
celle de la vérité. (Alexandre Dumas)

گرانیهاترین معرفت برای پادشاه آشنائی بحقیقت است (آلکساندر دوما)

La plus grande partie de nos connaissances sont des
vérités de déduction, ou tirées du raisonnement. (Lamennais)

قسمت اعظم از دانشهای ما را حقایق قیاسی و یا استدلال تشکیل
میدهد (لامنه)

Ce que nous gagnons en connaissance, nous le perdons
en sentiment. (Chateaubriand)

آنچه را که از طریق دانش می یابیم از راه احساسات از کف می دهیم
(شاتوبریان)

Les connaissances rendent les hommes doux.

(Montesquieu)

دانش سبب ملایمت طبع انسانی میگردد (مونتسکیو)

Toutes nos connaissances sont fondées sur des rapports et des comparaisons (Buffon)

کلیه معلومات ما مبتنی بر روابط و قیاس میباشد (بوفن)

La science est la lumière de l'entendement, le guide de la vérité, la compagne de la sagesse. (Bossuet)

علم فروغ ادراک و راهنمای حقیقت و مصاحب عقل میباشد (بوسوئه)

La science donne en peu de temps l'expérience de plusieurs siècles. (Henri. Francois D'Aguesseau)

علم در مدت کم تجارب قرن‌ها را بما میدهد

(هانری فرانسوا د'اگوسو)

La science, c'est la connaissance de la vérité. (Herschel)

علم معرفت بحقیقت است (هرشل)

La science est à l'homme ce que le soleil est à la terre. (Emile de Girardin)

علم برای بشر به مثابه خورشید برای زمین میباشد .

(امیل دوژیراردن)

فردریک نیچه نویسنده و فیلسوف آلمانی معرفت و دانش را پایه و اساس و بنیان عظمت دانسته و اندیشه های پست و کوچک را موجب زوال و اضمحلال فرد و جامعه میدانده عین عبارات او را که به چندین زبان ترجمه شده است ذیلاً مینگاریم :

فارسی

من کسی را دوست دارم که زندگی میکند تا دانش اندوزد و همواره جویای دانش است تا بعدها مانند زبیر مرد بتواند زندگی کند .
وقت آنست که بشر هدف خود را معین سازد .

وقت آنست که بشر تخم و بذر بلندترین امیدهای خود را پاشد .
زمین وجود او هنوز بسیار حاصلخیز است ولی روزی خواهد آمد که آن زمین بایر و بی ثمر شود و دیگر در آن درخت باروری نرود .
آیا زشت هستید ؟ بسیار خوب ای برادران . خود را با عظمت پوشانید زیرا عظمت رویش زشت رویان است .

طریقه کشف جبل در عصر حاضر

ولی بدنرا ز همه آنهایی هستند که اندیشه های کوچک و پست دارند.
ولی يك پست شبیه به قارچی است که میخزد و خود را پنهان
میکند و ظاهر نمیگردد مگر هنگامیکه تمام بدن را با خود پزمرده و فاسد سازد.

آلمانی

Ich liebe Den, welcher lebt, damit er erkenne, und welcher erkennen will, damit einst der übermensch lebe.

Es ist an der Zeit, dasz der Mensch sich sein Ziel stecke.

Es ist an der Zeit, dasz der Mensch den Keim seiner höchsten Hoffnung pflanze.

Noch ist sein Boden dazu reich genug. Aber dieser Boden wird einst.

Arm und Zahm sein, und kein hoher Baum wird mehr aus ihm wachsen können.

Ihr seid häszlich? Nun wohlan, meine. Brüder! So nehmt das Erhabne um euch, den Mantel des Hüzlichen!

Das schlimmste aber sind die kleinen Gedanken.

Aber dem Pilze gleich ist der kleine Gedanke: er kriecht und duckt sich und will nirgendwo sein—bis der genze Leib morsch und welk ist vor kleinen Pilzen.

فرانسه

J'aime celui qui vit pour connaître et qui veut connaître afin qu'un jour vive le Surhomme.

Il est temps que l'homme se propose un but.

Il est temps que l'homme plante le germe de son espérance la plus haute.

Son sol maintenant est encore assez riche. Mais cette terre un jour sera pauvre et stérile, et aucun grand arbre ne pourra plus y croître.

Vous êtes laids? Soit mes frères! Enveloppez-vous donc du sublime qui est le manteau de la laideur.!

Mais ce qu'il ya de pire, ce sont les pensées mesquines.

Mais la petite pensée est pareille au champignon; elle se dérobe et se cache et ne veut être nulle part.—jusqu'à ce que tout le corps soit rongé et flétri par les petits champignons.

طریقه کشف جبل در عصر حاضر

انگلیسی

I love him which liveth that he may know, and which seeketh knowledge that hereafter the Superman may live.

It is time for Man to mark his goal.

It is time for man to sow the seed of his highest hope.

His soil is rich enough therfor. But the day cometh when that soil shall be impoverished and effete, and no tall tree shall any longer be able to grow therefrom.

But worst are they that have petty thoughts.

Are ye ugly? Good, my brethren. Cover yourselves with the sublime, for it is the mantle of the ugly!

But worst are they that have petty thoughts.

But a petty thought is like a fungus: it creepeth and hideth and will not be found - until the whole body is rotten and withered with little fungi.

ایتالیائی

Amo colui che vive per conoscere e che vuole conoscere, affinché un dì viva il superuomo.

E'giunto il tempo che l'uomo si proponga una mèta.

E'giunto il tempo che l'uomo getti il seme della sua più alla speranza.

Il suo terreno è abbastanza ricco, oggi per ciò. Ma un giorno sarà impoverito e sfruttato e non potrà dar vita a nessun albero di alto fusto.

Voi siete brutti? Ebbene, miei fratelli, avvolgetevi nel sublime, che è il manto della bruttezza.

Ma nulla è peggiore del gretto pensiero.

Ma simile al fungo è il pensiero de'gretti: si nasconde e non vuol apparire in nessun luogo—sino a tanto che tutto il corpo non sia divenuto fracido e brulicante d'innumerevoli piccoli funghi.

ترکی

Ben o adami severim ki idrak etmek için yaşar ve insanüstü'nün geleceğini idrak etmek ister.

Insanın bir gaye edineceği zaman gelmiştir.

Insanın en yüksek ümidlerinin tohumunu ekeceği zaman gelmiştir.

Henüz Toprak buna yetecek kadar bereketlidir. Fakat bir zaman olacak bu toprak fakirleşecek ve artık hiç bir yüksek ağac yetistiremeyecek.

Şiz çirkin misiniz? Pekâlâ kardeşlerim öyleyse çirkinin mantosu olan « ülvi » yi giyiniz.

Fakat en fenasi küçük düşüncelerdir.

Fakat küçük mantara benzer : Sokulur, bükülür ve hiç bir yerde olmak istemez. Küçük mantarlar yüzünden bütün vücudu, sararip soluncaya kadar.

عربی

احب من يعيش ليتعلم ، و من يتوق الى المعرفة ليحيا الرجل المتفوق بعده .

لقد آن له ان يزرع ما ينبت اسمى رغباته مادام للارض بقية من ذخرها ،

اذ سيأتي يوم ينفد هذا لذخر منها فتجدب و يمتنع على ايسة درحة ان تنمو فوقها .

ان قبلكم مربع ، فتدثروا بها ايها الاخوة ، لان في دثار القبح ما ليس في سواء من الروعة والبهاء .

و شر من كل هذا الافكار الحقيرة .

في حين ان الفكرة الدنيئة تختفي كنوامي الفطر و تظل منتشرة حتى تودي بالجسم كله .

پيروزی و کامیابی در حیات فردی و اجتماعی بستگی با مبارزه با مجموعهات حیاتی دارد .

مفاسد و مناظر هولناکی که در کشور ما پدیدار میشود نتیجه همین مجموعهات است و بس .

مسئولیت اخلاقی بزرگی بدوش ما قرار گرفته باید در رفع معایب اجتماعی سعی و کوشا باشیم تا در مقابل خداوند و جامعه خود و دنیا مسئول نباشیم .

اگر ایمان بهر کاری در ما باشد فوراً توفیق نصیب ما خواهد شد .
ایمان است که کوه را بجنبش در می آورد .
از طریق جهاد باقیس باید در رفع مشکلات بر آئیم .
بزرگترین فداکاری این است که از هوی و هوس بگذریم تا سعادت
نصیب ما گردد .

باید اوضاع را به سوئی کشانید که برای اصلاح مساعد باشد
وجود خود را از حسد - کینه - حب جاه و اغراض پست خالی نمائید
تا پیروز و کامیاب شوید

خود را عوض کنید تا محیط حیاتی شما عوض گردد .
بر دلها فرمانروائی کنید زیرا حکومت بر دلها بهترین حکومتهاست .
بازویر و ریا نمیتوان مخاطرات را از میان برداشت .
حقیقت هر چیز را دریابید و ایام را بفطرت نگذرانید .
هیچ ننگی بالاتر از این نیست که ما در این جهان گردان و متغیر
در حال سکون و رکود بسر بریم .

بقاء هر فرد و جامعه مستلزم ترقی و تکامل است .
روی قانون انتخاب طبیعی اصلح جامعه بد و کثیف نابود گردیده
و جای خود را به اجتماعات صالح و مترقی خواهد داد .
هر اندازه که راه را برای مردم آسان کنید به رونق و شکوه مقام
شما افزون میگردد .

نام شما باید در دلها نگاهشته شود . بنای در دلها از هر سنگ و آهن
استوارتر است .

ایجاد تسهیلات و امنیت در زندگی مردم را بسوی علم و دانش
خواهد کشانید .

دنیا با نیروی علم و دانش جلو میرود ما هم اگر حقیقتاً خواهان
ترقی و تعالی هستیم باید همین روش را پیش گرفته و امور کشور را با افکار
علماء و دانشمندان اداره نموده و اقوام و بستگان و دوستان نالایق و نادرست
و جاهل و بدنام خود را از کار بکنار کرده و پستها و مقامات کشور را
از صورت تیول و انحصار خارج نمائیم .

کلیه فساد های این کشور که روز افزون و غیر قابل علاج است
نتیجه تبعیضها و جانبداریها و عملیات خلاف قانون و اصول میباشد که

مارقه کشف جمل در عصر حاضر

مردم را از راه راست منحرف نموده و فریب و تملق و چاپلوسی را پیشه خود ساخته و به هر سقالت و پستی تن در میدهند تا به انجام مقاصد مشروع و نامشروع خود نائل گردند.

حداقل یقین معاش افراد را تأمین نمایند و بعد از آنان تکلیف بنخواهید. نیروی علم است که تکانی در نهاد ما بوجود می آورد. با اسلحه دانش و قوی میتوانیم مجد و عظمت دیرینه خود را بدست آوریم.

دنیا در بهار زندگی است و ما دوره خزان آنرا میگذرانیم. برای جامعه تجدید حیات بنخواهید و از خزان زندگی آنرا بدر آورید تا بهار واقعی و حقیقی نصیبشان گردد. اصلاح اجتماعی در هر کشوری در درجه اول بستگی با تأمین لوازم حیاتی افراد کشور دارد.

اگر به ترازنامه حیات اجتماعی خود نظرافکنیم چیزی جز توقف و درماندگی و ورشکستگی مشهود نخواهد شد. خداوند در سوره مجادله آیه ۱۲ میفرماید:

يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ.

خداوند کسانی از شما که ایمان بیاورند و کسانی را که دانشمند هستند درجات و امتیازاتی میدهد.

در سوره طه آیه ۱۱۳ به پیغمبر امر میکند که از خدا طلب زیادی علم کند.

وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا

بگو خدایا بردانش من بیفزای.

در سوره عنکبوت آیه ۲: چنین میفرماید:

وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ.

این مثلها را ما برای مردم میزنیم و جز دانشمندان کسی نمیتواند آنها را تعقل و درک نماید.

حضرت امام محمد باقر (ع) در باره ارزش علم و عالم چنین میفرماید:
(اصول کافی)

عالم يتبع بعلمه افضل من سبعين الف عابد.

طریقه کشف جبل در عصر حاضر

دانشمندی که دانش خود را مورد استفاده قرار دهد هفتاد هزار برابر از عاید و پارسا افضل و برتر است.

در جای دیگر میفرماید.

ان الله تعالى يحب بغاة العلم .
خداوند طالبان علم را دوست میدارد.

طفرائی یکی از شعرا میگوید

العلم يرفع بيتا لاعماده **والجهل يهدم بيت العز والشرف**

دانش خانه‌ای برپا میکند که نیازی به ستون ندارد و نادانی موجب انهدام خانه شکوه و عزت و شرف میباشد.

وفي الجهل قبل الموت موت لاهله **و اجسادهم دون القبور قبور**
و ان امرأ لم يحيى بالعلم قلبه **فأيس له حتى النشور نشور**

دوره جهالت و نادانی قبل از مرگ در حکم مرگ بوده و جسم نادان نیز قبورشان می باشد .

کسیکه به نور علم و دانش قلبش زنده نباشد در موقع حشر هم برای اورستاخیز نبوده و تا ابد مرده میباشد.

العلم اشرف شيء قاله رجل **من لم يكن فيه علم لم يكن رجلا**

مردی گفت که علم نفیس ترین چیزی است و کسی که دانش ندارد مرد نبوده و نمیتوان شخصیت برای او قائل شد.

اعمال دانشمندان و صلحا است که بهشت را برای اجتماع تشکیل میدهد .

در آیه ۷۲ از سوره الزخرف چنین میفرماید

و تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ .

این باغاتی است که میراث اعمال شما میباشد.

در آیه ۱۰۵ از سوره انبیاء میفرماید

ان الارض يرثها عبادي الصالحون .

زمین جایگاه افراد صالح و سترقی خواهد بود.

این شعر **حافظ** که ذیلاً درج میگردد در تمام حال و احوال باید شعار حیاتی ما گردد :

طریقه کشف جبل در عصر حاضر

خیز در گامه زر آب طربناك انداز
پیشتر زانکه شود گامه سر خاک انداز
عاقبت منزل ما وادی خاموشانست
حالیها غلغله در فنبند افلاك انداز
چشم آلوده نظر از رخ جانان دور است
بر رخ او نظر از آینه پاك انداز
بسر سبز تو ای سرو که مگر خاک شوم
ناز از سر بنه و سایه بر این خاک انداز
ملك این مزرعه دانی که نباتی ندهد
آتشی از جگر جام در املك انداز
غسل در اشک زدم کاهل طریقت گویند
پاك شواول و پس دیده بر آن پاك انداز
یارب آن زاهد خود بین که بجز عیب ندید
دود آهیش در آئینه ادراك انداز
چون گل از نکت او جامه قباکن حافظ
وین قبا در ره آن قامت چالاک انداز

نوروز باستانی که پایان دوره خزان طبیعت و مظهر کامل تجدید حیات است بما می آموزاند که از حال رکود و وقفه خارج شده و تحول و تقلیبی در احوال و قلوب و دیدگان خود در اثر قیام و مبارزه حقیقی بر علیه عادات و اعمال زشت و زیان بخش که تاریخ ملی ما را لکه دار نموده است بوجود آورده و عقل و اراده را از قید شهوت و سودپرستی و خودخواهی جدا سازیم و دور نمای زندگانی گذشته را از نظر بگذرانیم و علت اصلی نکبت و معایب و آیره بختی که در اجتماع ما پدیدار گشته جستجو نماییم تا بر همه مشکلات زندگانی اجتماعی سیاسی و اقتصادی فائق آمده و شوکت و جلال و مجد و عظمت دیرینه خود را در میان ملل جهان امروز بدست آوریم تا این آیه شریفه کاملاً در ما مصداق پیدا نماید :

یوماً تقلب فیه القلوب والابصار .

در خاتمه پس از عرض تبریک و تهنیت سال نو به خوانندگان گرامی از این تصدیق و بسط مقال معذرت خواسته و اگر عمری باقی و توفیقی حاصل و مانعی در بین نباشد در شماره های آینده به بحث دنباله مبحث جبل می پردازیم .